

# فرهنگ تاریخ اصطلاحات نسخه‌شناسی (ترقیمه فارسی)

نجیب مایل هروی\*

## چکیده

ترقیمه یا (Colophon) نسخه‌های خطی از جمله عناصر مهم در نسخه‌شناسی است که نسخه‌شناسی را به‌متن‌شناسی پیوند می‌زند. کاتبان فارسی زبان از دیرباز بنابر زبان فکری خویش، ترقیمه نسخه‌های مکتوب‌شان را - که به‌زبان پارسی بوده - با ترقیمه پارسی به‌پایان می‌برده‌اند. اما این ادب نسخه‌نویسی فارسی رفته رفته دگرگون شده و به‌ترقیمه‌های عربی و عربی‌آمیز تبدیل شد. برپایه چنین نظری، ترقیمه پارسی نسخه فلورانس از «شاهنامه» مورد تأمل قرارگرفت و اصالت آن از طریق نسخه‌شناسی - که بعضی از معاصران آن را محل تردید دانسته‌اند - یادآوری شده است.

## کلید واژه

ترقیمه؛ انجامه.

\*

ترقیمه واژه‌ای است بر ساخته از بُن مایه رقم تازی که پارسی‌دانان یا پارسی‌گویان شبه‌قاره هندوستان، که به‌نادرست به «پاک و هندو» انگلیسی‌ها تبدیل شده است. از سده دهم هجری تا اشغال انگلیسی‌ها، پارسی‌گویان و پارسی‌دانان «هند سپید» زبان فارسی را به‌حیث زبان علمی و اندیشگی شبه‌قاره پذیرفتند و در گونه‌های نثر و نظم

---

\* محقق و نویسنده افغانی مقیم ایران.

آن زبان تأملاتی بسیار از روی ذوق و شناخت به عمل آوردند که دانستند گونه پارسی هندی را هم در حوزه نظم و هم در قلمرو نثر به وجود آرند. اهالی این گونه زبان فارسی در بررسی نسخه‌های خطی، به حق مالکیت کاتب معطوف شدند و «خاتمه کاتب» را «ترقیمه» نامیدند.

ساخت واژه مذکور تازی نیست، بلکه فارسی است و مانند انبوهی از واژه‌های بر ساخته فارسی زبانان که بر پایه بُن مایه‌های تازی، واژه‌هایی با ساختار فارسی، در تمامی روزگاران پیشین و پسین وضع کرده‌اند. بُن مایه این واژه «الراقم» از دیرباز در زبان تازی به معنای نشانه است و آنچه رقم می‌شود، یعنی مشخص می‌گردد. تازیان وقتی «رَقَمْتُ الشَّيْءَ» می‌گویند، یعنی آن چیز (شیء) را به نشانه‌ای ممیزه، برای تمیز دادن آن از دیگری - که مانده آن باشد یا غیر آن - آراسته‌اند.<sup>۱</sup> در کتابت نیز به دلیل آن که رقم نشانه ممیزه‌ای بوده است که حق تملک کاتب را مشخص می‌کرده، پذیرفته نسخه‌نویسان و خوش‌نویسان بوده است.

پیشینه و قدمت رقم، بی‌گمان با قدمت استحقاق ابراز حق مالکیت از سوی کاتب بوده است. در حوزه نسخه‌نویسی تمدن منطقه ما این استحقاق تا حد مرسوم و متعارف پذیرفته بوده و نسخه خطی از دیرباز دارای «رقم» بوده است. نظر اجمالی به الفهرست ابن ندیم نشان می‌دهد که قدیم‌ترین نسخه‌های خطی منطقه ما «رقم» داشته است.

در نگارش‌هایی چون ادب الاملاء سمعانی؛ تذکره ابن جماعه؛ صبح الأعشی قلقشندی از «مفتتح» و «خواتیم» کتب یاد شده است. در زبان فارسی نیز واژه «رقم» احتمالاً در نزد کتاب‌شناسان و نسخه‌نویسان به جای «ترقیمه» استعمال داشته است اما از نیمه دوم سده نهم که رقعه‌نویسی (قطعه‌نویسی) و مرقع‌سازی پسندیده‌تر افتاد و نسخه‌نویسان به خوش‌نویسی زیبایی‌شناسانه روی آوردند و قطعه‌نویسی مکان و خوش‌نویس قطع‌نویس مکان اجتماعی و اداری و اقتصادی به دست آوردند، خوش‌نویس از «خویش» به عنوان «راقم» یاد می‌کرد و در پایان قطعه خط خوش خود، مثلاً، می‌نوشت: «راقمه ۰۰۰»؛ واژه «رقم» در همان حوزه خوش‌نویسی و رقعه‌نویسی زبان گیر

۱. فیومی: مصباح المنیر، دارالهجرة، قم، ۱۴۰۵ هـ ش/۱۳۶۳ م، ذیل واژه الرقم.

شد و اگرچه بعضی از شاعران و ناظران از «نسخه بی‌رقم» یا «کتاب بی‌رقم» یاد کردند اما کم توجه بودن متأخران و معاصران هم به جزئیات و اهمیت مضبوط در ترقیمه‌های نسخه‌های خطی دلالت بر آن دارد که واژه «رقم» بار معنایی «ترقیمه» را در قلمرو شناخت نسخه‌های خطی بر نمی‌تابد.

ترقیمه نه تنها در نسخه‌شناسی صرف، کارآ می‌نماید، بلکه در حوزه متن‌شناسی و نیز در ساحت تاریخ ذوق و فکر و فرهنگ و حتی جغرافیای تاریخی و زبان‌شناسی تاریخی حائز اهمیت فراوان است. در روزگار معاصر، به هیچ‌گونه تأملی فراگیر و نظام‌مند بر ترقیمه‌های نسخه‌های خطی نشده است و بیشتر فهرست‌نگاران، انتخابی فشرده از محتویات ترقیمه را به‌حیث پایان

ترقیمه‌های پارسی به‌لحاظ نسخه‌شناسی که متن‌شناسی را نیز در پی داشته باشد، سزاوار بررسی تاریخی است.

نسخه توصیف کرده خود در فهرست‌هایشان گنجانده‌اند. سپس بعضی از مترجمان، به‌جای آن (رقم)، واژه «انجامه» را صرفاً به‌لحاظ فارسی بودن آن در ترجمه Colophon پذیرفته‌اند. این معادل‌یابی غیرعلمی، سبب شد تا عده‌ای، در نسخه‌شناسی از «انجامه متن» و «انجامه کاتب» سخن به‌میان آرند، بی‌آن‌که توجه کنند که در مورد کاتب هم نمی‌توان با توجه به‌معنای لغوی «انجامه» از عبارت او سخن گفت. ضرورت‌های نسخه‌شناسی اقتضا دارد که امروزه در فهرست‌نگاری فهرست‌های توصیفی نسخه خطی، همه عبارات انجامه کاتب بازنویسی و نقل شود و یا اصل ترقیمه به‌صورت عکسی در فهرست‌های مذکور عرضه شود.

با این همه نگارنده بر این باور است که در توصیف کتاب‌شناسانه نسخه‌های خطی، می‌باید به «انجامه متن»، و در توصیف نسخه‌شناسانه آن‌ها به «ترقیمه» (نه به انجامه کاتب) توجه کرد. از این روی، اگرچه «ترقیمه» واژه‌ای است متأخر و مستحدث، اما ذهنیتی که در شبه‌قاره هند آن را بر پایه «ترقیم» عربی، پارسی کرده و اصطلاحی نسخه‌شناسانه ارائه داده، از آگاهی دقیق نسخه‌شناسی/متن‌شناسی برخوردار بوده است.

نگارنده در جست‌وجویی که چند سال قبل درباره «ترقیمه» کرده، به‌اهمیت تاریخ، فرهنگی و زبانی ترقیمه‌ها توجه داده است، آنچه در این گفتار، می‌افتد که به‌بحث و بررسی آن اشاره شود، ترقیمه پارسی است. باید دانست که ترقیمه‌های بلند و کوتاه، متضمن نکته‌هایی است که در نگاه نخست، برای شناخت نسخه‌ها کارآیی دارد. این‌که «متن» در چه مکان و در چه زمان، جز مکان و زمان نویسنده متن کتابت شده است، این‌که دقت نسخه‌نویس چه وزن و بهایی داشته است، این‌که در حوزه کدام جریان فرهنگی، سیاسی به کتابت متن پرداخته است و... این همه از ترقیمه نسخه‌نویس به‌حاصل می‌آید. هم این‌که ترقیمه نسخه‌نویس متن فارسی صرفاً عربی است یا عربی و فارسی و این‌که ترقیمه نسخه‌نویس متن عربی گاه واژه‌ها و مصراع‌های فارسی دارد، از نکته‌های در خور تأمل در نسخه‌شناسی تواند بود. زیرا وقتی نسخه‌نویس به‌ابراز حق تملک می‌رسیده، بی‌گمان با ذهنیت ویژه خود می‌اندیشیده و ترقیمه را براساس ساختارهای ذهنی و زبانی خود می‌پرداخته است.

گویا نسخه‌نویسان پیش از سده هشتم هجری کمتر به عبارت‌های کلیشه‌ای در ترقیمه‌های خویش می‌پرداخته‌اند. بی‌گمان ترقیمه‌نویسی در کانون‌ها نسخه‌نویسی رسمی (دیوانی) و صنفی (تجاری) متضمن عباراتی بوده است از پیش ساخته و آماده، که پاره‌ای از کلمه‌های آن از کاتبی به‌کاتب دیگر و از نسخه‌ای به نسخه‌ای دیگر دگرگون می‌شده است. اما ترقیمه‌های نسخه‌نویسان صاحب سبک در خط و کتابت نشان از آن دارد که ترقیمه‌های نسخه‌های مکتوب آنان، خود به‌حیث نشانه و شناسه شناخت کار آنان می‌تواند تلقی شود.

به‌رحال، از آن‌جا که در همه ادوار، نسخه‌ها به‌لحاظ اعتبار اقتصادی مورد نظر بعضی از نسخه‌نویسان، وراقان و نسخه‌فروشان بوده، همچنان‌که کتابت مزور رونق داشته، ترقیمه‌های مزور نیز فراهم می‌شده است. کم نیست نسخه‌هایی که بر پایه ترقیمه‌های جعلی آن‌ها، کهن نموده شده‌اند اما هرچند کم است نسخه‌هایی که بر پایه ترقیمه‌های مجعول‌شان، جدید یا جدیدتر شناسایی شده‌اند، با این همه این‌گونه نسخه‌ها هم می‌تواند وجود داشته باشد. گونه کهن خط نسخ، شناسه‌های کهن برای نشان دادن برخی از تلفظ‌های آوایی، آرایه‌های کهن با رنگ‌های گیاهی همچون رنگ

ریشه زعفران و... کهن بودن این دست از نسخه‌های دست خورده را تثبیت می‌کنند. از این روی، اگر در نسخه‌ای، ترقیمه آن اندکی مخدوش بنماید، می‌توان از طریق شناسه‌های آواشناسی تاریخ زبان، خط‌شناسی تاریخی، نسخه‌آرایی تاریخی و دیگر نشانه‌ها و امارات به تعیین اصالت نسخه‌ها و تبیین خدشه‌پذیر شدن ترقیمه‌هایشان اهتمام کرد.

**نگارش ترقیمه پارسی،  
بی‌گمان تا حوالی ۷۰۰ هجری  
و شاید اندکی پس از آن نیز،  
ادامه داشته است.**

نسخه‌ای از نامه گران‌سنگ حکیم فردوسی که به‌نسخه فلورانس (ایتالیا) مشهور است و متضمن بخش نخست از شاهنامه است، از همه شناسه‌های کتاب‌پردازی و نسخه‌آرایی برخوردار است. این نسخه را آقای دکتر جلال

خالقی مطلق به‌درستی دریافته و آن را اساس مشروط و منطقی تصحیح شاهنامه قرار داده است. با این همه، پس از نشر عکسی آن نسخه در تهران (۱۳۶۹ خ)، بعضی از معاصران را بر آن داشت تا در اصالت نسخه تردید کنند. بعضی هم آن را با دلایل نقد تاریخی و ادبی تأیید کردند، اما تا آنجا که نگارنده به‌اشاره‌ها و دلیل‌های آنان توجه کرد، یک نکته بسیار چشمگیر را در میان دلیل‌ها و اشاره‌های آنان نیافت و آن ترقیمه آن است که معطوف به سنت ترقیمه‌نویسی در میان کاتبان پارسی زبان پیش از ۷۰۰ هجری می‌باشد.

اسناد و اشارات کهن تازی در حوزه نسخه‌پردازی حاکی از آن است که در نخستین سده‌های هجری، نسخه‌پردازان منطقه با نسخه‌هایی از آثار ایران و یونان آشنایی داشته‌اند. این سرچشمه‌های نسخه‌پردازی در ایران، بی‌تردید سنت ترقیمه‌نویسی کهن و دیرین را در ذهنیت تاریخی، فرهنگی فارسی‌زبانان زنده نگاه می‌داشته است به‌طوری که کاتب فارسی زبان که نسخه‌های آثار پارسی را استنساخ می‌کرده، به‌کلیات آن سنت توجه داشته و ترقیمه آن را با واژگان و ساخت زبان فارسی یعنی زبان تفکرش می‌پرداخته و در پایان ترقیمه نیز به‌سکم و صلوات رسمی و معمول در قلمرو اعتقاد رایج اهتمام می‌کرده است.

نگارنده، این گونه از ترقیمه‌های نسخ خطی فارسی را «ترقیمه پارسی» می‌نامد و به‌چند نمونه کهن آن، که پیش از ۷۰۰ هجری کتابت شده‌اند، توجه می‌دهد:

از جمله نسخه‌های کهن فارسی، ترجمان البلاغة محمد رادویانی (سده ۵ ق) است که در ۵۰۷ ق، به‌دست اردشیر بن دیلمسپار نجمی - شاعری پارسی زبان که مسبب تألیف لغت فرس اسدی طوسی هم بوده - کتابت شده. ترقیمه نجمی، یکی از ترقیمه‌های کهن موجود محسوب است که می‌توان بر پایه آن، ساخت نسخه‌شناسی و متن‌شناسی نسخه مکتوب کاتب را به‌درستی دریافت. متن ترقیمه را ملاحظه کنید:

اسپری شد این کتاب پیروزی و به روزی و نیک اختری و فرخی بر دست<sup>۱</sup>  
 ابوالهیجا اردشیر بن دیلمسپار النجمی القطبی الشاعر، اندر اواخر شهر الله  
 المبارک رمضان، سال بر پانصد و هفت از هجرت پیغامبر محمد المصطفی  
 علیه و سلم مبارکباد بر خداوندش.

در ترقیمه مذکور به یک نکته اشارت نرفته است و آن مکان کتابت است. گویا کاتب، شاعر سفر کرده (یا بسیار سفر) نبوده، و شاید در سنت ترقیمه‌نویسی پارسی به این نکته توجه نمی‌شده است یا ضرورت آن را کاتبان پارسی زبان حس نمی‌کرده‌اند، با این همه ترقیمه پارسی مذکور بسیار صمیمانه است. هم نام کاتب را نشان می‌دهد هم نشاط و علاقه او را به کارش می‌نمایاند. هم تاریخ کتابت را دربردارد و هم پایگاه علمی کاتب و آشنایی او را بر موضوع کتاب. علاوه بر این‌ها عبارت «مبارکباد بر خداوندش» مملو از رواداری و روحیه فرهنگی کاتب است. به‌رغم بسیاری از ترقیمه‌های تازی بر آثار پارسی، که گاه عبارات و ابیاتی را در بردارند متضمن نکته‌هایی که نسخه مکتوب با نسخه مأخوذ مقابله شده و عرضه گردیده و...؛ درحالی که بررسی تطبیقی نسخه مکتوب محقق می‌دارد که «چنان» نشده و «چنین» نیز نگردیده است.

ادب ترقیمه‌نویسی با پارسی، بی‌گمان در میان نخستین نسخه‌نویسان نسخه‌های خطی فارسی مدار اعتبار بوده است، اما از آنجا که روحیه مدرسی در قلمرو اختتام

۱. دست با زیر (کسر) دال، تلفظی است گونه‌ای، که هنوز در برخی از گونه‌های فارسی دری، مانند گونه فارسی کابل، کاربرد دارد.

کارها بر ادعیه و مأثورات عربی قرار گرفته، نسخه‌نویسان فارسی زبان نیز اختتام کتابت نسخه‌شان را با عبارت (یا عبارات) و دعای عربی نشان می‌دادند. با وجود این، نوشتن ترقیمه پارسی همچنان ادامه یافت با همان ساختارهای زبانی ترقیمه نجمی شاعر، که نمونه‌های کوتاه‌تر و ناقص‌تر آن را در نسخه‌ای از عمل و الالقاب ابن ایوب طبری - که حدوداً پنجاه و یک سال پس از نسخه ترجمان‌البلاغه رادویانی کتابت شده است - می‌بینیم<sup>۱</sup>.

ترقیمه بهره نخست از شاهنامه (نسخه فلورانس) نیز واژه‌ها و ساختاری دارد که ماندگی آن با ترقیمه اردشیر نجمی شاعر، خود بر قدمت و نیز بر صحت و درستی آن دلالت دارد. متن موجود ترقیمه نسخه فلورانس از شاهنامه با آن‌که در پاره‌ای از کلمه‌ها محو بوده و در عکسی که از آن منتشر کرده‌اند، نو نویس شده است اما می‌توان آن را مورد تأمل و دقت بیشتر قرار داد. به متن ترقیمه مورد بحث توجه کنید:

**[تمام شد مجلد اول] از شاهنامه پیروزی و خرمی روز سه‌شنبه [سیتم ماه مبارک محرم سال ششصد و چهارده بحمد الله تعالی و حسن توفیقه] و صلی الله علی خیر [خلقه محمّد] و آله الطاهرین الطیبین**

واژه‌هایی که در ضبط مذکور بین چنگک [آمده، نونویس می‌نماید. بی‌گمان کاتب براساس علاقه‌ای که به کتابت شاهنامه و نوشتن ترقیمه پارسی داشته، ممکن است که واژه «مجلد» را خود نوشته باشد و ضبط «تمام شد» و نیز جمله دعایی «صلعم» را به‌گونه‌ای دیگر و با استفاده از الفاظی دیگر کتابت کرده باشد اما «به پیروزی و خرمی روز سه‌شنبه سیتم ماه مبارک محرم سال ششصد و چهارده» به‌هیچ روی مخدوش نمی‌نماید، بلکه به‌تنهایی می‌تواند صحت و اصالت نسخه مذکور را ضمانت کند هرچند نشانه‌هایی بسیار از نسخه‌شناسی در سرتاسر نسخه مزبور مشهود است که هریک از آن‌ها بر اصالت نسخه دلالت می‌کنند.

۱. رش: شش فصل، محمد بن ایوب طبری، تصحیح محمد امین ریاحی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱ ه.ش، ص ۲۳۰.

از آن جمله است سرفصل‌های کتیبه‌ای، که با خط کوفی بنایی کتابت شده، آن هم با زیبایی تمام. تردید در مورد کتیبه‌های نسخه مذکور با توجه به آرایه‌هایی که با خط بنایی آمیخته است، به هیچ روی درست نمی‌نماید. این کتیبه‌ها به کتیبه‌های سر سوره‌های نسخ کهن قرآن - که در قلمرو ایران نسخه‌پردازی شده است - تشبّه و ماندگی دارد و مجموعه آنها (یا آن تعداد از آنها که خوانا و روشن مانده است) درخور تأمل و مطالعه جدی است. آنچه مهم می‌نماید، این که می‌بایست نسخه مذکور با دقتی بیشتر عکس‌برداری شود و نسخه برگردانی همانند نسخه موجود در فلورانس، در دسترس نسخه‌شناسان و شاهنامه‌شناسان قرار گیرد.

نگارش ترقیمه پارسی، بی‌گمان تا حوالی ۷۰۰ ق و شاید اندکی پس از آن نیز، ادامه داشته است. در میان نسخه‌های خطی فارسی - به‌ویژه نسخه آثار ادبی فارسی، خصوصاً آثار منظوم آن - نسخه‌هایی داریم که ترقیمه پارسی منظوم موضوع ترقیمه بوده، به‌عنوان «خاتمه کتاب (نسخه)» آورده است.

مانند ترقیمه نسخه منطق الطیر عطار نیشابوری که پس از «حمد و سپاس» با این ابیات صورت یافته است:

حق تعالی از مدد درها گشاد	اتفاقم ختم این نسخه فتاد
شد به دست خسرو این نسخه تمام	روز بیست و پنجم از ماه صیام
خسرو گوینده آن فخر دین	خادم بیچاره بی کبر و کین
سال اندر هفت و بیست و هفتصد	بود چون این دولت آمد به صد
گفت عطار از همه مردان سخن	گر تو مردی هم به خیرش یاد کن
جان او از نور حق آسوده باد	نام او در آسمان بستوده باد <sup>۱</sup>

سخن پایانی این که ترقیمه‌های پارسی به‌لحاظ نسخه‌شناسی که متن‌شناسی را نیز در پی داشته باشد، سزاوار بررسی تاریخی است؛ زیرا این ترقیمه‌ها در بسیاری از موارد، اصالت نسخه‌ها را نشان می‌دهند هرچند ممکن است اصالت نسخه به‌اصالت متن نینجامد.

۱. عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد: منطق‌الطیر، به‌اهتمام دکتر احمد رنجبر، تهران، ۱۳۶۹ ه.ش، ص ۵۴۹.



## منابع

۱. طبری، محمد بن ایوب: شش فصل، تصحیح محمد امین ریاحی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۱ ه.ش.
۲. عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد: منطق‌الطیر، به‌اهتمام دکتر احمد رنجبر، انتشارات اساطیر، تهران، چاپ دوم زمستان ۱۳۶۹ ه.ش.
۳. فیومی: مصباح المنیر، دارالهجرة، قم، ۱۴۰۵ ه.ش/۱۳۶۳ ه.ش.